

باختر امروز

((جریة باختر امروز))

نشرة
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط
تصدر نصف شهرية
العدد التاسع السنة الاولى
المرحلة الرابعة
اذار ۱۹۷۱

خائنین چون شاه که خود از طریق کمپانیهای نفتی بحکومت رسیدهاند هرگز قادر نخواهند بود از حقوق مردم دفاع کنند . احیاء حقوق مردم ایران از نفت تنها از طریق اجرای کامل قانون ملی شدن صنعت در سراسر کشور میتواند عملی گردد .

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه : سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

شماره ۹ - سال اول

دوره چهارم

اسفندماه ۱۳۴۹

شاه در خدمت کمپانیهای نفتی

پیام قائد بزرگ اسلام مرجع تقلیدمسلمانان حضرت آية الله عظمی خمینی به زائران خانه خدا

بسمه تعالی
خدمت عموم زائرین بیت الله الحرام ایدهم الله تعالی بعد از ابلاغ سلام و تحیات وافره :
اکنونکه بواسطه سستی وسهل انگاری ملت های اسلامی چنگال خبیث استعمار تا اعماق سرزمینهای بزرگ ملت قرآن فرورفته وتام ثروت ومخازن بزرگ ما درقرشملی بودن بکام آنان فرومیرزد ، فرهنگ مسموم استعمار تا اعماق قصبات وهذات ممالک اسلامی رخنه کرده ، فرهنگ قرآن را عقب زده ونوباوگان ما را فوج در خدمت بیگانگان ومستعمرین در میاورد وهر روز بانفخ تازه ، با اسامی فریبنده جوانان مارا منحرف میکند بر شما ملت عزیز اسلام که برای اداء مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده اید لازم است از فرصت استفاده کرده بفکرچاره باشید ، برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر وتفاهم کنید ، باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که بامر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم میشود شما ملت های مسلمان را مکلف میسازد که در اهداف مقدسه اسلام ، مقاصد عالیه شریعت مطهره ودر راه ترقی وتعالی مسلمین واتحاد ویبوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید ، در راه استقلال وریشه کن کردن سرطان استعمار همفکروهم پیمان شوید ، گرفتاریهای ملل مسلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده ودر راه حل مشکلات آنان از هیچگونه اقدامی فروگذار نکنید ، برای آزادی ومستئندان کشورهای اسلامی فکری کنید ، برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم دشمن سرسخت اسلام واتسانیت چاره اندیشی کنید ، از مساعدت وهمکاری بامردان فداکاریکه درراه آزادی فلسطین مبارزه میکنند غفلت نوزید ، بر دانشمندانیکه در این اجتماع شرکت میکنند ساز هر کشوریکه هستند لازم است برای بیداری ملت های مستعمل بسا تبادل نظر صادر کرده ودر محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند ونیز در کشورهای خودپس از مراجعت نشردهند ودر آن بیانیها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب عین خود قرار داده ، اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیاندیشند .

۲ میلیون دلار فاطمه پهلوی
۲ میلیون دلار عبدالرضا پهلوی
۲ میلیون دلار غلامرضا پهلوی
۲ میلیون دلار ویلیام واژن
۲ میلیون دلار دکتر علی امینی
۲ میلیون دلار دیوید راکفلر
۵۰۰ هزار دلار حمید رضا پهلوی
یک میلیون دلار محمود رضا پهلوی
۵۰۰ هزار دلار جمشید خیر
یک میلیون دلار آ. و. وبستر
۳ میلیون دلار اردشیر زاهدی
یک میلیون دلار رونالد لیز
یک میلیون دلار تئودور مک ایوی
۳ میلیون دلار اشرف پهلوی
یک میلیون دلار آسند الله علم
یک میلیون دلار حسین علاه

مبارزات مردم ایران در جریان ملی کردن صنایع نفت و ضربه های ، که دکتر مصدق به پیکر استعمار انگلستان زد ، درس بزرگی برای کمپانیهای نفتی ودول امپریالیستی شد . در سال ۱۳۳۲ کمپانیهای نفتی پس از توطئه های بسیار تنها عامل مورد اطمینان خود یعنی شاه را بر سر کار آوردند . امریکا پس از توفیق کودتای س-آی-۱ فوراً مبلغ ۴۵ میلیون دلار به شاه پول داد و در ده سال بعد از کودتا کمک های امریکا به شاه قریب به یک میلیارد دلار گردید . کمپانیهای نفتی وسایر انحصار های بین المللی تاکنون با دقت هر چه بیشتر عناصر وابسته بخود را در ایران برسر قدرت نگاه داشته اند وبانهائی که برایشان خوش خدمتی نموده اند وثروت مردم را بجنب امپریالیست ها ریخته اند ، پاداش نقبی داده و همه نوع حمایت از آنها نموده اند .

البته این فقط يك صفحه از حساب بانکی بنیاد پهلوی است .
بقیه در صفحه ۳

در سند زیر يك نمونه از رشوه هائی که شاه از اجانب گرفته و بین بستگان وعوامل داخلی وخارجی خود تقسیم نموده مشاهده میگرد . این سنده رونوشت بیان بانکی حساب مخصوص شاه باسم « بنیاد پهلوی » در بانک سوئیس میباشد که در مجله نیشن شماره ۱۵-۲۰ در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ در نیویورک منتشر شده است .

از جنبش دانشجویی ایران حمایت کنیم

محصلین ودانشجویان وطن پرست ، آگاه و پیشرو ایرانی ، دستگاه فاسدی چون دربار پهلوی را تحصیل نخواهند کرد .
مدتها است که دستگاههای نرور و شکنجه و دروغ پردازان رژیم شاه بهم سبقت میجویند تا علیه مردم زحمتکش و آزادیخواه ایران توطئه کنند . شاه و دیگر سرسپردگان دستگاه حاکمه ایران به حبس و شکنجه ، جنایت ، غارت ثروت ملی و ترویج فساد مشغولند . بدنبال دستگیرهای متعدد و محاکمات نظامی و براه انداختن جار و جنجال در داخل کشور ، سازمان امنیت جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور را که در کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی متشکل هستند مورد حمله و اتهام قرار داده است ، بطوریکه دادستان نظامی چندین بار اعلام کرده که اگر بقیه در صفحه ۲

خانم لوی هنترسن
شمس پهلوی
دک ف. میچل
هنری ر. لوس
آلن دالسن
جورج و. آلن
شهباز پهلوی
ویلیام برم
راندلف دیکینس
حمید رضا پهلوی
احمد شفیق
سلدین چاپین
سرلشکر محمد امیر خاتمی
از ۰۰ پیگوت
ت. و. پای پر
فرح پهلوی
یک میلیون دلار
یک میلیون دلار
پانصد هزار دلار
یک میلیون دلار
یک میلیون دلار
دو میلیون دلار
دویست هزار دلار
دویست هزار دلار
پانصد هزار دلار
یک میلیون دلار
یک میلیون دلار
یک میلیون دلار
یک میلیون دلار
یک میلیون دلار
۱۵ میلیون دلار

اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بر دارند ، وبا اهداف عالیه اسلام آشناشوند وبسوی اسلام گرایش پیداکنند اینگونه اسیر وذلایل استعمار نمی شوند ، این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکله فلسطین را بوجود آورده نیکگذارد حل شود ، اگر هفتصد ملیون مسلم با این کشورهای عریض وطویل رشد سیاسی داشتند وباهم متحد ومتشکل شده در صف واحد قرار می گرفتند برای دولتهای بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند تا چه رسد بمشتی یهود که از اعمال استعمارند . در این اجتماع بزرگ حج که باید بنفخ اسلام ومسلمین بهره بر داری شود باکمال تأسف دیده میشود که بعضی قلبهای مسموم عمال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سالها است که بر خلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را باسم « الخطوط العربیه » وامثال آن نشر میدهند وبمستعمرین کمک مینمایند ومی خواهند بادروغ وافتراء يك جمعیت قریب صولونجاه ملیون نفری را از صفوف مسلمین جداکنند ! جای تعجب است که حکومت حجاز چگونه اجازه میدهد این اوراق گمراه کننده در مرکز وحی بخش شود ؟ این بر ملت های اسلامی لازم است که از اینگونه کتابها ونشریات تفرقه انگیز واستعماری اجتناب کنند واین

UNION		DE BANQUES SUISSES		Pahlavi Foundation		Feuille	
GENEVE		214895.20 H Cpte \$		US		The Sadsbad Palace TEHRAN, IRAN	
		Compte courant au		30 JUIN 1962			
1	22 DEC 61	SOLDE	31.12				
2	5 FEV 62	C/LOY HENDERSON ✓	1026 24 8.2	1,000,000.00		\$6,800,241.55	\$6,800,241.55
3	5 FEV 62	O/SHAMS PAHLAVI ✓	271 24 8.2	1,000,000.00			
4	5 FEV 62	O/DREK P. MITCHELL ✓	281 24 8.2	500,000.00			
5	5 FEV 62	O/HENRY R. LUCE ✓	29 24 14.2	2,000,000.00			\$4,300,241.55
6	5 FEV 62	O/ALLEN DALLAS ✓	30 24 14.2	1,000,000.00			
7	5 FEV 62	O/GEORGE V. ALLEN ✓	31 24 14.2	1,000,000.00			
8	5 FEV 62	O/SHANNAZ PAHLAVI ✓	32 24 14.2	2,000,000.00			\$4,900,241.55
9	5 FEV 62	O/WILLIAM E. BURK ✓	33 24 20.2	200,000.00			
10	5 FEV 62	O/RANDOLPH DICKINS ✓	34 24 20.2	200,000.00			
11	5 FEV 62	O/HAMID REZA PAHLAVI ✓	35 24 20.2	500,000.00			\$4,800,241.55
12	5 FEV 62	O/AHMAD CHAFIHI ✓	36 24 22.2	1,000,000.00			\$4,900,241.55
13	12 FEV 62	BON N.I.O.C.V.	19 23.2		12,000,000.00		\$8,900,241.55
14	5 FEV 62	O/SLEDEN CHAPIN ✓	1037 24 26.2	1,000,000.00			
15	5 FEV 62	O/AMIN-KAETJI ✓	38 24 1.3	1,000,000.00			
16	5 FEV 62	O/J.A. PIGOT ✓	39 24 1.3	1,000,000.00			
17	5 FEV 62	O/T.A. PIPER ✓	104 24 1.3	1,000,000.00			\$5,900,241.55
18	5 FEV 62	O/FARAH PAHLAVI ✓	43 24 6.3	15,000,000.00			
19	5 FEV 62	O/FATMEH PAHLAVI ✓	44 24 6.3	2,000,000.00			
20	5 FEV 62	O/ABDOL REZA PAHLAVI ✓	45 24 6.3	2,000,000.00			
21	5 FEV 62	O/GHOLAM REZA PAHLAVI ✓	46 24 6.3	2,000,000.00			\$4,900,241.55
22	5 FEV 62	O/WILLIAM HARN ✓	47 24 7.3	1,000,000.00			
23	5 FEV 62	O/ALI AHMEDI ✓	48 24 7.3	2,000,000.00			\$1,900,241.55
24	5 FEV 62	O/DAVID ROCKEFELLER ✓	49 24 8.3	2,000,000.00			
25	5 FEV 62	O/AHMAD REZA PAHLAVI ✓	1050 24 8.3	500,000.00			
26	5 FEV 62	O/JAMSHID REZA PAHLAVI ✓	51 24 8.3	1,000,000.00			
27	5 FEV 62	O/JAMSHID KHABIR ✓	52 24 8.3	500,000.00			
28	5 FEV 62	O/A.W. WENSTER ✓	53 24 8.3	1,000,000.00			\$6,900,241.55
29	5 FEV 62	O/ARDESHIR ZAHEDI ✓	54 24 12.3	3,000,000.00			
30	5 FEV 62	O/ROLAND LEES ✓	55 24 12.3	1,000,000.00			\$2,900,241.55
31	27 FEV 62	BON SEVEN YEARS PLAN ORGY	19 13.3	1,000,000.00		6,000,000.00	\$8,900,241.55

بقیه در صفحه ۲

از جشن دانشجویی ایران

اعزام دارند ، بصورت « همت عالی » از ایرانیان و مردم در خارج از کشور پول جمع آوری میکنند . در حال حاضر سازمانهای دانشجویان ایرانی در خارج از کشور بعنق ده سال فعالیت و مبارزه متشکل آگاه ، یکی از مترقی ترین و مبارزترین سازمانهای دانشجویی دنیا است . در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری با سایر سازمانهای مترقی و مبارز در اروپا و امریکا ، بخصوص با سازمانهای دانشجویی کشورهای سهفاره (افریقا - آسیا - امریکای لاتین) همکاری کرده نقش مهمی بعهدهدارد .

شرح تمام اقدامات و مبارزات کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در این مختصر نمیگنجد ولی میتوان خدمات ارزنده آنها بشرح زیر خلاصه نمود .

آشنا کردن جوانان ایران به اوضاع واحوال مردم ومیهن خویش و دفاع از حقوق آنان وافشاء ماهیت رژیم ضد خلقی شاه درجهان .

متشکل ساختن محصلین و دانشجویان ایرانی برای مبارزه علیه امپریالیسم وارترجاع و نشان دادن راه کسب علم بمنظور خدمت به مردم .

از آنجائیکه رژیم ارتجاعی شاه با وجود تحمل مخارج هنگفت و توسعه سازمانهای پلیس خود باشکست مواجه شدهاست ، آخرین تلاش مذبحخانه خود را بعنوان غیر قانونی کردن کنفدراسیون ومحاکمه دستجمعی اعضا آن در دستور کار خود قرارداده و آرزو دارد خدمت بااستعمارگران وارترجاع بعمل آورد .

در حال حاضر اکثر سازمانهای دانشجویی ایران در خارج از طریق دانشگاهها و محافل دموکراتیک جهان برسیمت شناخته شدهاند . این عمل رژیم شاه که نشانه خصلت ارتجاعی و ضد خلقی آنست ، بی آبرویی دیگری برای آن ببار خواهد آورد .

سازمانهای جههملی ایران مثل گذشته از جنبش دانشجویی ایران و سازمان متشکل آن کنفدراسیون پشتیبانی میکنند و رژیم ارتجاعی شاه هرگز قادر نخواهد بود با توسل بقوانین ارتجاعی و اعمال زور ، مردم را از مبارزه بازدارد .

میتوانند ، عناصری گمراه ، بی شخصیت ، مزدور و خائن بمردم تربیت کنند و از تشکل و مبارزه روشنفکران جلوگیری بعمل آورند تا در صف شاه و درباریان قرار گیرند . برای اینکه از سالها پیش عنصر حفارچی چون محمود تقضی و دکتر عزیزی را بعنوان « سرپرست » و کودتاجی تبهکاری چون سپیده زاهدی را بعنوان « سفیر مخصوص شاه » و صدها جاسوس و خائن دیگر را با مخارج هنگفت بخارج اعزام داشتند و شعبات سازمان « امنیت » را در خارج از کشور نیز گسترش دادند . ولی دانشجویان آگاه و مبارز از همان ابتدا متوجه این توطئهها بودند . برای مقابله و مقاومت و مبارزه با آن در صدد تشکیل اتحادیههای دانشجویی برآمدند و علیرغم تهدید و فشارهای مالی و پلیس بمبارزه خود ادامه دادند وسازمانهای دانشجویی را در خارج از کشور گسترش دادند وارترابط منظم با دانشجویان مبارز داخل کشور برقرار کردند وخود را از مبارزات مردم ایران جدا نکردند .

پس از مدت کوتاهی از اتحاد تمام سازمانهای مبارز دانشجویی ایران در داخل وخارج از کشور اتحادیه ملی دانشجویان ایران یعنی « کنفدراسیون جههملی محصلین ودانشجویان ایرانی » را پایه گذاری کردند . این سازمانها اکنون قریب بده سال است که تشکیل یافتهاند .

در کنفدراسیون هر دانشجویی ایرانی که مخالف امپریالیسم و رژیم ارتجاعی شاه باشد و از منافع مردم ایران حمایت کند میتوانه عضو آن بشود .

کنفدراسیون سازمانی است دموکراتیک وعلنی . مسئولین آن در کنگره و اجتماعاتی که تشکیل میدهند انتخاب میگرددند ومطابق برنامهای که نمایندگان محصلین ودانشجویان ایرانی در کنگرها بصتصوب میرسانند ، عمل میکنند .

کنفدراسیون از نظر مالی متکی بخود میباشد و از طریق پرداخت حق عضویت و فروش نشریات و برگزاری جشنها در روزهای ملی و تاریخی مخارج آن تأمین میگردد . در موارد فوری ، مثلا بخواهند نماینده یا ناظر بین المللی برای دفاع از زندانیان سیاسی بایران

اعضاء کنفدراسیون بعضویت و فعالیت خود در تشکیلات دانشجویی ادامه بدهند به سه الی ده سال زندان محکوم خواهند شد و حتی غیابا آنها را محاکمه و محکوم خواهند کرد .

ما لازم میدانیم در باره ماهیت کنفدراسیون و علل عکس العمل رژیم در برابر فعالیتهای جنبش دانشجویی خارج از کشور نکاتی را باختصار باطالع هبوطان مبارز مقیم خاورمیانه برسانیم .

همانطوریکه میدانید بعنق کمبود دانشگاهها و فقدان شرایط ادامه تحصیل در ایران مدتها است که عده کثیری از محصلین ایرانی در خارج از کشور و بطور عمده در اروپا و امریکا بتحصیل مشغولند که تعداد آنها اکنون قریب به چهل هزار نفر است .

رژیم شاه بعنق ماهیت ضد مردمی خود نه تنها قادر نیست از طریق نمایندگی های سیاسی و فرهنگی و دستگاری متعدد دولتی محصلین و دانشجویان ایرانی را در امر تحصیل را عنمانی و یاری کند بلکه از طریق مأموران و خائنین وابسته بدربار ، مشکلات فراوانی نیز در امر تحصیل و اقامت آنها فراهم میکند . درباریان همیشه وحشت داشتند که دانشجویان با کسب معلومات و آگاهی سیاسی - اجتماعی باتودههای مردم پیوند برقرار کرده بخدمت زحمتکشان درآیند و در نتیجه حاضر باطاعت از رژیم استعماری و فرمانبرداری از جنایتکاران و غارتگران درباری نشوند .

رژیم شاه و اربابان امپریالیست آن ، از انسانهای آگاه ، پشرو ، شجاع و با شخصیت سیاسی وحشت دارند . بخوبی میدانند که چنین انسانهایی ، لجن زاری چون دربار پهلوی را تحمل نخواهند کرد اجازه نخواهند داد که استقلال و آزادی میهن و منافع مردم دستخوش تاخت و تاز استعمارگران و نوکران داخلی آن گردد . لذا برنامه دربار و هیئت حاکمه مزدور از جمله برای دانشجویان خارج از کشور این بود که نگذارند آنها آگاهی سیاسی کسب کنند واگر دانشجویان بتحصیل علوم میپردازند و فارغ التحصیل میشوند ندانند که این علم در خدمت چه کسانی باید باشد . تلاش میکردند تا از قشر روشنفکر ایرانی تا آنجا که

پیام آیت الله خمینی

استفاده جوتی و خود کامگی نمیکنداز که اینها بفکر ملت باشند ، دستگاه جبار باپول ملت مسلمان برای شاهانیکه در هر عصر ملتها را در زیر چکمه های نظامی خود خورد کردهاند ، شاهانیکه عییش بامذاهب حقه دشمنی داشتند ، شاهانیکه دشمن سر سخت اسلام بوده ونامه مبارک حضرت رسول (ص) را پاره کردند ، شاهانیکه نمونه آنان در عصر حاضر پیش چشم همه است . جشن میگیرد وچراغانی میکند . دنیا بداند که این جشنها وعیاشیهای مربوط بملت شریف ومسلان ایران نیست ودائن کشیده وشرکت کننده این جشنها خائن باسلام وملت ایران میباشد .

من دست عموم ملت اسلام وآزادیخواهان جهان را درراه قطع ریشه استعمار واستعمارگران ، استقلال ممالک اسلامی وگسترن زنجیرهای اسارت میفشامم واز خداوند متعال دفع شردستگاه های جبار وعمال کثیف استعمار را مستلث نموده قبولی اعمال ومناسک عموم را خواستار است والسلام عیکم ورحمة الله وبرکاته . ذیحجه الحرام - ۱۳۹۰

روح الله الموسوی الخمینی

بقره اطلاع رسیده یکی از مبارزین میهن پرستی که این اعلامیه را در مکه و مدینه توزیع نمیدود مورد تجاوز مأمورین حکومت ارتجاعی عربستان سعودی قرار گرفت و زندانی گردید و مأمورین شاه نیز خواستار تحویل این مبارز به ایران شدهاند . ما ضمن اعتراض به روش ارتجاعی حکومت عربستان و توطئههای شاه و ملک فیصل ، از تمام آزادیخواهان جهان دعوت میکنیم که علیه این پیداد گری ها متحدا مبارزه کنند .

استعمار دست وپامیزند ، مدارس علوم دینی ، مساجد و محافل اسلامی را میخواهند قبضه کنند واین برنامه را مقداری عملی کردهاند ، بایهانه های بی اساس بدانشگاهها حمله میکنند وجوانان ارجمندرا از دانشگاه بزندان وسر باز خانه میکشانند ، حوادث اخیر دانشگاه های ایران ویورش وحشیانه وبی رحمانه دستگاه جبار بدانشجویان سخت مازا متأسف ساخت این روش غیر انسانی نمونه ، دیگری از نقشههای استعمارگران برای سرکوبی دانشگاهها وودانشجویان میباشد . من این اعمال چنگیزی وقرون وسطانی را شدیدا تقبیح میکنم واطمینان دارم که دانشجویان غیور وطن خواه هرگز عقب نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد .

این انقلاب ننگین و خونین باصطلاح سفید که در يك روز باتانک ومسلل پانزده هزار مسلمانرا انطور که معروف است از پای در آورد روزگار ملت را سیاه تر ساخت ، زندگی دهقانان وزارعین اسپرا بیشترتباه کرد ، اکنون در بسیاری از شهر ستانها واكثر روستاها در مانگاه ، دکترودارو وجودندارد ، از مدرسه حمام وآب آشامیدنی سالم خبری نیست وبحسب اعتراف بعضی از مطبوعات در بعضی از دهات کودکان معصوم را از کرسنگی به چرامی برند ولی دستگاه جبار صدها ملیون تومان از سرمایه این ملک را صرف جشنهای ننگین میکند ، جشن تولد این وان ، جشن بیست وپنجمین سال سلطنت ، جشن تاجگذاری واز همه مصیبتها بالاتر جشن منحوس دو هزار وپانصد ساله شاعنشاهی که خدا میداند چه مصیبت وسیه روزی برای مردم وچه وسیله اخاذی وغارتگری برای اعمال استعمار ببار آورده است ، بودجه هنگفت وسرسام آوری که در این امر متبذدل صرف میشود اگر برای سرکردن شکمهای گرسنه وتأمین زندگی سیه روزها خرج میشداتا اندازه ای از مصیبتهای ما میکاست لیکن

اشخاص مخالف وحدت مسلمینرا طرد ودراین اجتماع مقدس حج اولاد در مسائل اساسی اسلام وانیا در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده بهبینه که در داخل کشورها بادست استعمار وعمال آن بر برداران مسلمان آنان چه میگذرد ، اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس گرفتاریهای ملت خود را بمسلمین جهان گزارش دهند .

اینک اینجانب بحکم وظیفه ، شمه ای از گرفتاریهای ملت مظلوم ایران را تذکر میدهم تا مسلمین جهان بدانند که بمردم بی پناه این کشور اسلامی چه میگذرد : آثار شوم استعمار در این منلکت از سایر ممالک اسلامی بیشتر بچشم میخورد ، اسرائیل که امروز دشمن شناخته شده اسلام ومسلمانهاست ومدتهاست که با ملل مسلم در حال چنگ است بدست دولت خیبت ایران در تمام شئون اقتصادی ، نظامی وسیاسی دخالت دارد وباید گفت ایران بصورت پایگاه نظامی اسرائیل ودر واقع امریکا در آمده است اجانب در این کشور بنام معنی مصونیت دارند ولی علماء ، دانشمندان ، فرهنگیان وسایر طبقات از هیچ ظلمی مصون نیستند ، بازرگانان محترم یکی پس از دیگری ورشکست شده ظلم وقشار دستگاه حاکمه بدست هرچه تمامتر گلوی این ملت مظلوم را میفشارد ، اختناق ، حبس وزجر قرون وسطانی حکومت میکند ، باسم سپاه دانش وسپاه بهداشت ودیگر اسامی فریبنده مقاصد شوم استعمار همزمان با اشاعه فحشاء در اعماق قصبات ودهات در جریان است مبارزه باعلم وفرهنگ باشد هرچه بیشتر ادامه دارد ومیخواهند ملت بدیخت را بدستور استعمارگران عقب مانده نگهدارند بادعای اسلام وتظاهر بمسلمانگی کمر بناپودی اسلام بسته واحکام مقدسه قرآنی یکی پس از دیگری محو نابود میکنند ، علماء اعلام ومحصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال

پیروز باد خلق فلسطین پیشقراول انقلاب مردم خاور میانه

شاه در خدمت

حمل تفاوت فاحشی خواهد نمود ، همین قیمت ثابت میماند . و در ضمن تثبیت قیمتها برای پنجسال خیال کمپانیها را راحت نگاه خواهد داشت .

ازدیاد قیمت نفت خام با توجه به ازدیاد قیمت کلیه کالاهای تولیدی جهان يك امر غیر قابل اجتناب بود ، منتها امپریالیسم سعی نمود این مسئله را نیز تحت کنترل خود درآورد . در این جریان رهبری شاه خواسته او را بر آورد .

در ۱۶ فوریه یعنی ۲ روز بعد از ختم جریان اوپک ، بعد از آنکه لیبی در خواست ۷ سنت اضافه قیمت نمود ، و شرایط خود را جهت مذاکره با کمپانیهای نفتی اعلام کرد ، شاه با در خواست لیبی به مخالفت برخاست و طرفداری خود را از کمپانیهای نفتی اعلام نمود . رادیو لندن ضمن بخش این خبر گفت که پادشاه ایران به لیبی هوشدار داد که زیاد بلند پرواز نباشد . و اگر بخواهد بیشتر از آنچه ایران از افزایش قیمت نفت بلست آورده ، تقاضا نماید ایران از او پشتیبانی نخواهد کرد .

شاه و مردم کشورهای عضو اوپک

ماموریت شاه در اجرای رل مخالفت با کمپانیهای نفتی مدت زیادی نیست که باو واگذار شده است . شاه که در شرایط فعلی ایران رل های « انقلابی » به ته کشیده بود ، میبایستی رل « ضد امپریالیستی » را این مرتبه اجرا نماید .

شاه با اعمال خائنانه خود ونوکری امپریالیسم و صهیونیسم در میان توده های عرب آبرویی از خود بجا نگذاشته و حالا با شینادی میکوشد که با اجرای این رلها جانی برای خود باز نماید . بر قراری کنفرانس در تهران وملاقات های پی در پی او با شیخ های خلیج فارس در ماه های قبل از کنفرانس همه دلیل بر توطئه هائی بود که بعدا بصورت نقش ضد امپریالیستی شاه از آب در آمد . هدف شاه رهبری سیاسی در منطقه خلیج ، وتشکیل جبهه های ضد خلقهای عرب برای حفاظت از منافع امپریالیسم میباشد . و در جریانات نفتی اخیر نیز رهبری او برای کمک بامپریالیست ها بود .

ناصر کاخساز

قیمت های اعلام شده نفت تا قبل از کنفرانس اوپک در تهران ، برای ایران ۱۷۹ سنت برای يك بشکه نفت ۳۴ درجه بود . لکن لیبی والجزایر بعلت زیاد نمودن قیمت نفت خود طی سال گذشته ، بهای بیشتری دریافت داشته و هر موقع نیز احتمال ازدیاد قیمتها میرفت . برای مثال ، نفت ۴۰ درجه لیبی ۲۵۳ سنت بفروش میرفت در حالیکه تفاوت مرغوبیت نفت لیبی از قرار هر درجه ۱٪ سنت ، ۹ سنت بیشتر نمیکرد .

برای بقیه تفاوت قیمت یعنی ۶۵ سنت فقط نزدیکی راه مطرح است که انهم از نظر کرایه حمل ونقل باین زیاد نمی شود . ونزولنا نیز در سال گذشته قیمت نفت خود را ۲۷۸٪ سنت اعلام نمود .

مسئله مهم برای کمپانیهای نفتی افزایش قیمت نفت در خلیج فارس بهمان میقاس لیبی و الجزائر بود که با توجه به کشورهای عربی صادر کننده نفت در خلیج فارس و اینکه عراق وشاید هم کویت ممکن بود با اتحاد با لیبی و الجزائر دست با اقداماتی بزنند که به ضرر کمپانیهای نفتی باشد ، لذا بهترین وضع برای کمپانیها آن بود که ابتکار عمل را به دست شاه بدهند . ۳۵ سنت اضافه قیمت فعلا سر و صدا ها را خواباند و از طرفی دیگر در هنگام باز شدن کانال سوئز که کرایه

دو سال مبارزه کنفدراسیون محصلین ودانشجویان ایرانی ، و ناکهان ، رژیم آنرا « کشف » میکند . انقلاب شاهانه همانطور که انتظار میرفت باشکست روبروشده و دهقانان بافقر مادی بیشتری روبرو هستند . در سال گذشته محصول گندم ۵۴ درصد و محصول جو ۸۶ درصد کاهش یافته . عده کثیری از کشاورزان دهات را رها کرده بشهرها هجوم آورده اند . درحالیکه در خود شهرها تعداد کارگران بیکار بیش از پانزده در صد میباشد و در شهرها روز بروز بر تعداد بیکاران افزوده میگردد . اینها تمام خطراتی است که رژیم ارتجاعی شاه را تهدید میکند .

شاه و مردم کشورهای عضو اوپک ماموریت شاه در اجرای رل مخالفت با کمپانیهای نفتی مدت زیادی نیست که باو واگذار شده است . شاه که در شرایط فعلی ایران رل های « انقلابی » به ته کشیده بود ، میبایستی رل « ضد امپریالیستی » را این مرتبه اجرا نماید .

کلیه تغییراتی که در ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا بحال صورت گرفته فقط و فقط بخاطر منافع امپریالیسم یعنی کمپانیهای بزرگ و سرمایه داری جهانی بوده است . (انقلاب سفید) طرح معروف روستو - کندی بود که برای ازدیاد منافع کمپانیهای بزرگ ، یعنی ایجاد بازار وسیع تر برای مصنوعات آنها ، صدور سرمایه بیشتر به کشورهای عقب نگاهداشته شده طرح ریزی شد تا در عین حال از انقلابات مردم و جنبشهای دهقانی جلوگیری بعمل آورند .

در ایران همه چیز با توافق و یا با دستور امپریالیست ها انجام میگردد . گاهی نیز امپریالیست ها بخاطر حفظ منافعشان توکر های خود را به جنگهای مسلحانه بر علیه خود وامیدارند . وگر نه همه میدانند که رژیم مثل رژیم ایران و شخصی مثل شاه که تمام علت و جودیش وابستگی به امپریالیسم میباشد ، نمیتواند با ارباب خود در بیفته . چگونه آدمی که میخواهد زنده بماند ، شاه را قطع میکند ؟ پس تمام آن يك خیمه شب بازی سیاسی پیش نبود . و با مطالعه مختصری از وضع اقتصادی ایران و همچنین عواملی که شاه را بدان کار واداشته بود ، حقیقت امر بهتر آشکار میگردد .

در آمد نفت در اقتصاد ایران

سر و صداهائی که شاه در باره قطع نفت براه انداخته بود ، اسم بلوف هم حتی روی آن نمیتوان گذارد . شاه بپردازد اینطور وانمود میکند که او با کر و کورها سروکار دارد . و کمپانیهای نفتی و سرمایه داران خارجی که از زیر وبلاهی وضع اقتصادی شاه با خسر هستند ، با « بلوف » شاه از میدان بدر میروند . با نگاهی سریع بوضع اقتصادی ایران و اهمیت در آمد نفت در آن ، جنگ زرگری شاه با کمپانیهای نفتی بهتر آشکار میشود .

در سال گذشته واردات ایران ۲۰۸۷ میلیارد دلار بوده است . که برای این مبلغ هنگفت قسمت عمده ارز خارجی مورد نیاز از درآمد نفت یعنی ۱۰۴ میلیارد دلار تامین گردیده است . (در عین حال این در آمد نفت ۱۷۳ صد از تبادل خارجی ارز کشور و همچنین نیسی از بودجه سالیانه دولت را تشکیل میدهد .) در سال گذشته ایران با تلاش فراوان ۵۶۲ میلیون دلار قرض خارجی برای تامین ذخیره ارزی گرفته بود و بقیه آنرا میبایستی ذخائر ارزی دیگر کشور تامین نمایند . ولی با تمام اینها میبینیم که در سال گذشته ۷۳ میلیون دلار کسر ذخیره ارزی وجود داشته است . در سال جاری هم وضع از سال گذشته بهتر نیست و کل ذخیره ارزی بانک مرکزی در آذر ماه گذشته به ۲۰۷ میلیون دلار رسیده و همانطور که میبینیم این رقم بسختی کفاف يك ماه واردات ایران را میکند .

بنا بر این شاه بهیچوجه خیال بستن نفت را برای کمپانیهای نفتی نداشت . و اگر هم میخواست اقدام بجنبش کاری بنماید ، میبایستی توازن ارزی را از محل دیگری تامین نماید .

این محل ها بطور عمده عبارتند از قرض خارجی و ذخیره ارزی . قرض خارجی را شاه بعد اکثر ممکن رسانده و دیگر محل برای گرفتن آن باقی نگذاشته . طریق دیگری که میتوان اقتصاد کشور را بدون درآمد نفت سر پا نگاهداشت ، اتخاذ سیاست اقتصادی مستقل و ملی ، با تقلیل شدید واردات و ازدیاد صادرات با بالا بردن سطح تولید در بخشهای دیگر میباشد که این امر از رژیم که دست نشانده و سر سپرده سرمایه داران خارجی است ، ساخته نیست .

شاه واوضاع داخل ایران

جار و جنجالهایی که شاه براه انداخته ، هدفش انحراف اذهان عمومی مردم از وضع نا هنجار زندگی ونارضایتی شدید آنها میباشد . عبارات دیگر شاه کوشش میکند ، مردم را سرگرم جریانات دیگری بکند . از بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ تاکنون هر موقع که شاه ماموریت داشته قرارداد جدیدی با کمپانیهای نفتی و یا سایر غارتگران جهانی امضاء کند ، قبل از آن صحنه سازیهای متعددی همراه با ترور و محاکمه میهن پرستان براه انداخته است . اینبار نیز سازمان امنیت نمایشگر برنامه های مفتضحی بود . عدهای از جوانان میهن پرست وارزنده خلق را پس ماهها حبس و شکنجه بمحاکمه کشیدند ، « میتینگ دستوری » براه انداختند وعدهای متزلزل و ارتجاعی را بروی صفحه تلویزیون آزدیدند تا از « انقلاب شاه »



برای رهائی کاخساز و همه زندانیان سیاسی متحدا مبارزه کنیم

مردم در کل پای و ن در وئی (بون جعد ردم رژیم انی ادن سل ست ران سمی ارد ان بیان انه نری شن ون اهد از ا ست که رد سی سه که سن ها ست لام ترا بل زم ت ف را انحراف اذهان عمومی مردم از وضع نا هنجار زندگی ونارضایتی شدید آنها میباشد . عبارات دیگر شاه کوشش میکند ، مردم را سرگرم جریانات دیگری بکند . از بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ تاکنون هر موقع که شاه ماموریت داشته قرارداد جدیدی با کمپانیهای نفتی و یا سایر غارتگران جهانی امضاء کند ، قبل از آن صحنه سازیهای متعددی همراه با ترور و محاکمه میهن پرستان براه انداخته است . اینبار نیز سازمان امنیت نمایشگر برنامه های مفتضحی بود . عدهای از جوانان میهن پرست وارزنده خلق را پس ماهها حبس و شکنجه بمحاکمه کشیدند ، « میتینگ دستوری » براه انداختند وعدهای متزلزل و ارتجاعی را بروی صفحه تلویزیون آزدیدند تا از « انقلاب شاه »

باختر امروز

گرمزو آزادگان دربند روسپی نامردمان برکاز ناصر کاخساز



ناصر کاخساز بسال ۱۳۴۰ در خانواده میانجی تولد شد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در شهرستان اهواز بپایان رساند . در سال ۱۳۴۱ بدانشکده حقوق تهران وارد شد . و در سال ۱۳۴۵ در رشته قضائی این دانشکده فارغ التحصیل گردید . کاخساز در دوران دانشجویی خود ، مبارزی سرسخت و فعال بود و در پیشاپیش جنبش دانشجویی قرار داشت . روح حقیقت جوی او بزودی باغم و درد مردم آشنایش ساخت و در پرتو این هشیاری بود که راه مردم برگزید ، راه توده های پابرهنگه و گرسنه را . بسال ۱۳۴۶ بسربازی کسبیل شد و آنچه برای او تا آخرین روزهای خدمتش هم رنگی نگرفت نظام ارتشی قزاقخانه های شاه بود . او درد اداری بخمدت گمارده شد و در لابلای پرونده های خون آلود این دادرسی بود که بیشتر با جنایات روزانه رژیم آشنا گشته و در پیسودن راه توده ها مصمم تر و سرسخت تر گردید . پس از پایان سربازی در دادگستری استخدام شد ، چند ماهی دادیار دادگاه شیروان خراسان بود و سپس باهمان سمت به شامی انتقال یافت ، کاخساز در این محل مشغول خدمت بود که در یکی از روزهای بهمن ماه سال گذشته خانه وزندگیش مورد دستبرد و سازمان امنیتیان ، شاه قرار گرفت و او و همسرش هردو دستگیر شدند . جاسوسان شاه که در پی رابطه ای بادوستان دستگیر شده اش بسراغ او رفتند درخانه اش باکلیه ای بس گرانها از آسار مارکسیستی وروبو شدند . واین بانها سخت گران آمد که چرا جوانی توانسته بود در زیر برق سرنیزه آنان و فشار اهریمنیشانشان دست به چنین آثاری بیساید راه خود را روشن سازد . این بود که سخت ترین ، وحشیانه ترین و ناجوانمردانه ترین شکنجه ها را برایش رقم زدند ، کاخساز بواقوع و پرونده ، ای بود که بجززانه خدایان زر و زور دستبرد زده بود و آتش مرگشان را فراهم میساخت واین بود که بزنجیرش کشدند . شکنجه های که در مورد کاخساز اعمال شد از نظر مقدار و نوع در سالهای اخیر بی نظیر بود . چشمانش در اثر شکنجه صدمه دید ودر زیر ضربات ناجوانمردانه آدمکشان شاه بخونریزی مغزی مبتلا گردید . هفتها شکنجه شد و بعد ماهها سازمان امنیت کوشید تا به نوعی آثار وحشیگری خود را در جسم او از بین ببرد اما این امکان پذیر نبود . کاخساز حتی یکسال پس از دستگیریش ، در دادگاه هنوز مریض بود . این را رئیس دادگاه فرمایشی شاه هم اعتراف کرد ، در این زمان که یکسال از دستگیریش میگذشت او هنوز چنان گرفتار آثار شکنجه های چلادان شاه بود که برایش امکان نشستن در جلسات دادگاه نبود و رئیس دادگاه هر بار مجبور می شد بر خلاف مقررات دادگاهی خودشان او را اجازه دهد جلسه محاکمه را ترک کرده در اطافی دیگر استراحت کند . این است منطق رژیم شاه در برابر جوانان انقلابی و مبارز : یکسال شکنجه دادن و بلکه از زندگی محروم کردن و این در مورد کاخساز به بدترین وضعی اعمال شدو این همه باین خاطر بود که او برایی که بمیرفت ایمان داشتو سلاحش را در این مبارزه خوب شناخته بود . کاخساز بقیه در صفحه ۳

محصلین ایرانی در عراق علیه رژیم شاه مبارزه می کنند

دشمن مردم ایران و دست نشانده امپریالیسم را نمی خورند .

رژیم شاه در مورد روشنفکران خارج از کشور از جمله دانشر آموزان ایرانی مقیم عراق بهمه وسائل تطمیع و تهدید متوسل میشود . ولی دانش آموزان ایرانی باید اتحاد داشته باشند ومشترکا علیه جاسوسان شاه مبارزه کنندو بدانند که بیش از یک میلیون زحمتکش ایرانی در اثر فقر و بیکاری و ستم بی حد رژیم استعماری مجبور گردیده اند که درعراق و سواحل خلیج فارس دور از وطن خویش اقامت کنند . وظیفه دانش آموزان و سایر هموطنان آگاه و مبارز است که همه زحمتکشان ایرانی در این منطقه را آگاه و متشکل و متحد سازند تا علیه رژیم شاه و نیروهای امپریالیستی که مسیبین اصل اوادگی و بدبختی مردم هستند بمبارزه بر خیزند ویکمک زحمتکشان داخل کشور ، حکومت مردم را مستقر سازند .

قسمت هایی از نامه های رسیده

هسانطوریکه هبوطان ما میدانند چندین سال است که از طرف حکومت ایران مدارسی برای فرزندان ایرانیان مقیم عراق دائر شده است . مخارج این مدارس از طریق مالیاتهایی که توسط زحمتکشان ایران پرداخت میشود ، تأمین میگردد .

دانش آموزان این مدارس اکثرا از فرزندان طبقات تهیدست و فقیر هستند که بسیاری از آنها مجبورند علاوه بر تحصیل در تهیه معاش نیز کارکنند و بخانواده خود یاری رسانند .

برای این مدارس بودجه ای تعیین گردیده که بایستی از طریق سربوستی وسفارت ایران درعراق اداره شده وبصرف حقیقی خود برسد . ازجمله اینکه برای دانش آموزان بی بضاعت لباس تهیه شود کتاب ولوازم التحریر که از ایران ارسال میگردد بطور رایگان در اختیار آنان قرار گیرد . بعنت دوری مسافت ، دانش آموزان را بوسیله اتوبوس از محلهای دور دست بدمرسه ببرند و بیاورند . و یا برای اینکه دانش آموزان مجبور نشوند هنگام ناهار بمنزل بروند ، بودجه ای تعیین شده که در محل مدرسه غذا بخورند .

ولی بطوریکه دوستان دانش آموز شما مینویسند ، در یکی دوسال اول بدانش آموزان بطور رایگان غذا میدادند تا اینکه مامورین دزد رژیم شاه بیهانه های مختلف برای غذا از همه دانش آموزان پول گرفتند وعلاوه بران غذایی که میدهند از نظر بهداشتی وحتوی قابل خوردن نیست وموجب مریضی عده ای از دانش آموزان گردیده است .

کتاب و وسائل تحریر را با اینکه روی آن نوشته بطور مجانی است ، بدانش آموزان میفروشدند . برای تهیه لباس و دوختن آن چندین برابر صورتحساب تنظیم میکنند وخالصه از همه جاوازه همه میدزدند .

رفقای مبارز دانش آموز باید آگاه باشند که این پولهایی که مامورین شاه حیف ومیل میکنند دسترنج کارگران وسایر زحمتکشان ایران میباشد . شما نباید اجازه بده عید که این اموال عمومی بجیب خصوصی مزدوران برود وخودتان نیز نباید چیزی ببردازید شما همگی باید متحدا برای کسب حقوق خود مبارزه کنید واین بودجه باید زیر نظر و با آگاهی شما بمصرف امور تحصیلی برسد .

مدتی است که در اثر مبارزه جبهه ملی ایران در خاورمیانه - روشنائی امید بخشی درمیان ایرانیان مقیم این نواحی جهت ادامه مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری دیده میشود . از جمله دانش آموزان ایرانی مقیم عراق در راه آگاهی سیاسی و شرکت در مبارزات ضد رژیم کام برمیدارند . دانش آموزان و دانشجویان ایران بخوبی آگاهند که وضع ناگوار و فقر و سیه روزی میلیونها انسان به تنهایی نمی تواند باعث انقلاب گردد ، بلکه باید با آگاهی سیاسی توده های مردم توأم باشد تا خلق آگاهانه بحرکت درآید و طی مبارزاتی پریپیچ وخم دشمنان خود یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخل را نابود ساخته وبدین ترتیب قدرت سیاسی را بدست آورد . روشنفکران مبارز در هر انقلاب نقش ارزنده ای را ایفا نموده اند . این قشر از جامعه بر حسب وظیفه روشنگرانه خود باید بمیان توده های مردم رفته ، آنان را با طرز فکرها و تئوریهای انقلابی مسلح سازند . هنگامی میتوان به روشنگری عنوان انقلابی داد که فعلا نه در امر انقلاب گام بردارد . بعبارات بهتر انقلابی را باید درعمل انقلابی شناخت نه در حرف . وقتی میکوئیم روشنفکران رسالت دارند که طرز فکرها وتئوری علمی و انقلابی عصر حاضر را در میان توده ها تبلیغ کنند ، بدان معنی نیست که این قشر نقش تعیین کننده ای در رد ومیتواند بنهایی انقلاب کند بلکه این قشر امکاناتی را در اختیار میدهد تا زودتر از دیگران با این طرز فکرها وایدئولوژی انقلابی آشنائی پیدا کند ، برپیشه وعلل اصلی فقر و ستم و فساد بپر میرسد ، میلیونها کارگر وزحمتکش را آگاه ومتشکل میسازد وسنس این نیروی عظیم زحمتکشان بچنان قدرتی مبدل میگردد که بزرگترین غول جنگی سرمایه داری و ارتجاعی توانائی مقاومت در برابر آنرا نداشته ، ازین میروند .

دانش آموزان و دانشجویان هموطن ما که جزء قشر روشنفکر بحساب میآیند ودر جامعه طبقاتی ایران زندگی میکنند از دیر باز بوظیفه خود آگاهی پیدا کرده ودر پیشبرد امر انقلاب ایران کوشیده اند . رژیم شاه از یکطرف برای بازداشتن دانش آموزان و دانشجویان کشور ما بو حشیانه ترین شکل موجود عمل می نماید ، دانش آموزان و دانشجویان انقلابی و آزادبخواه را بزندان و شکنجه کاها میبرد ، آنانرا از دبیرستان و دانشگاه اخراج و برای تنبیه بسربازخانه اعزام میدارد وهنگامیکه مبارزه اوج میگردد و شکل وسیع وهمه جانبه بخود میگردد ، تظاهرات واعصابهای آنانرا بمسلسل می بندد و سنگفرش خیابانها را باخون پاک آنان رنگین میسازد ، ازطرف دیگر بموازات این اعمال خشونت آمیز ، باشکال مختلف میکوشد عده ای از روشنفکران را تطمیع کرده آنانرا بموجودات نوکرسفت و خانن بدل سازد و یا آنانرا عناصری بیخاصیت وبسی شعور ببارآورد .

اما آنهایی که شعور سیاسی واجتماعی کسب کنند هرگز از خلق خود جدا نمی شوند و فریب شاه ، این

نشانی پستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon

نشانی بانکی
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-13896

بهانه
ایران ۲ ریال
لبنان ۱۵ فروش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱۰ فلس
ترکیه ۲۵ فروش

برای رهائی زندانیان سیاسی از زندانهای شاه متحداً مبارزه کنیم